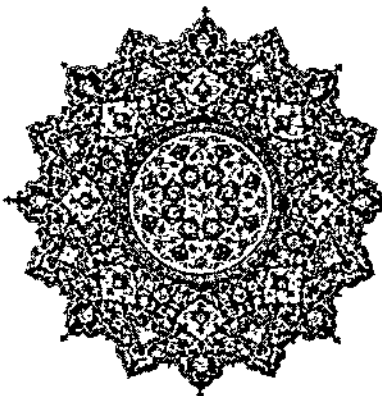


۸۱۲۰

۱۷۳۵۰



درآمدی بر نوآوری و شکوفایی از منظر قرآن و روایات

علی اصغر الهامی نیا
عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

شریعت و کتاب آسمانی، همواره مستلزم تحوّل جامعه و هدایت آن به سوی پیشرفت و تعالی بوده است. چرا که فرستنده پیامبران کسی جز خدا نیست که خود مبدع آفرینش است و لحظه به لحظه پدیده‌ها را شکوفا می‌کند و می‌پروراند.

ادیان پیش از اسلام زمینه نوآوری پرشتاب اسلام را فراهم کردند و نزول قرآن مجید و بعثت پیامبر اکرم آغاز این نوآوری و نقطه جهش شکوفایی فکری و فرهنگی بشر شد که همچنان در آن بسط و تعالی به پیش می‌رود و انقلاب اسلامی و تحوّل عمیق سیاسی جهان اسلام و طرح ایده‌های عدالت و حق و معنویت از ایشان است. چنان‌که قرآن و عبرت پیامبر از امت اسلامی خواسته‌اند ابتکار و پیشرفت و خلاقیت خویش را به روز برسانند و هرگز اجازه ندهند و روزشان با هم مساوی نباشد.



شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۸۷



۶

با آغاز سال ۱۳۸۷، مقام منبع ولایت در پیام نوروزی خود، سال را سال نوآوری و شکوفایی نامیدند. از این رو همه آنان که به پیشرفت و تعالی ایران اسلامی علاقه مند بودند بر تلاش خود در مسیر نوآوری در کار و وظیفه خویش و نیز به شکوفایی رساندن تلاش‌های گذشته سازمان متبوع خود افزودند. زیرا ایجاد انقلاب اسلامی و پیروزی بر رژیم طاغوتی، دفاع مقدس هشت ساله، مقابله با ترفندهای استکبار جهانی و... همه نوآوری بوده و به سبب همین نوآوری‌های فرزندان متعهد و دلسوز انقلاب، نظام جمهوری اسلامی بر پا گردیده و تا کنون استوار ایستاده است.

هیچ یک از قوانین معمول دنیا و روابط سیاسی موجود و حاکم بر جهان نمی‌توانست این نهال نوپا را در برابر تندبادهای کفر و نفاق بر پا دارد تا چه رسد آن را رشد دهد و ریشه‌دار کند و بر شاخ و برگش بیفزاید.

سال ۸۷ سال نوآوری نام گرفت. اما سالها بود که بنیان‌گذار نظام اسلامی و نیز رهبر معظم انقلاب بر کوشش همه‌جانبه، تحقیق و نوآوری تأکید می‌کردند و دستامدهای این تأکیدات هم اکنون به شکوفایی ژرف رسیده و کشور ما در عرصه‌های گوناگون نظامی، علمی، اجتماعی و سیاسی، گامهای بلندی برداشته است و در پاره‌ای رشته‌ها، جزو معدود کشورهایی قرار گرفته که از آن رشته و تخصص خاص آگاهی دارند.

در این مقاله، نظر به اهمیت بحث نوآوری، موضوع از دیدگاه قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار گرفته است. وقتی درهای معانی قرآنی بر روی قاری قرآن گشوده می‌شود، مخاطب قرآن، در ابتدا خداوند را نخستین و کامل‌ترین نوآور و مبدع هستی می‌بیند و در برابر عظمتش سر تعظیم فرود می‌آورد، نوآوری در اصل آفرینش پدیده‌ها و در روابط بین اجزاء هستی! آنگاه رسولان الهی را به یاد می‌آورد که خود با آوردن قوانین الهی، نوآوری را در زمینه ارتباطات میان انسان و خدا و انسانها با یکدیگر و نیز فرهنگ زندگی اجتماعی و فردی تجسم بخشیدند.

بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نوآوری شگفتی بود، در مسیر حق و عدالت؛ و قرآن کریم، چشمه‌ای که لحظه به لحظه مفهوم بکر و تازه‌ای تا ابدیت به جامعه هدیه می‌دهد. پیامبر، قرآن و عترت، مردم را نیز به ابتکار، نوآوری و شکوفایی ارشاد و تشویق کرده، این ترغیب و تشویق را گاه تا مرز اجبار پیش می‌برند و مسلمانی را که دو روزش مساوی باشد، خسران زده می‌نامند.

قرآن کریم - که سخنی ابدی و خلل ناپذیر است - علاوه بر فراخوانی عموم انسان‌ها به تفکر، تعقل، تلاش و کوشش در زندگی و دوری از رخوت و ایستایی، از بین صفوف مخالفان خود، هم‌اورد می‌طلبد و از آنان می‌خواهد که اگر در الهی بودن آن شک و شبهه‌ای دارند، یک سوره یا مطلبی مانند آن بیاورند! و این نیز ابتکاری بدیع در معجزات الهی است که تا روز برپایی رستاخیز نو و تازه و زنده خواهد ماند. و نیز روایات ژرف و بی‌بدیل خاندان پیامبر - که به مثابه تبیین و تفسیر قرآن است - سرشار از نوآوری‌هایی است که در سخن هیچ‌یک از دانشمندان و نوایغ عالم مانند ندارد.

تکمیل این مباحث، نیاز به امکان ویژه و فرصتی کافی دارد تا به آنچه حق مطلب است، نزدیک شویم. آنچه در پی می‌آید، خود مقدمه‌ای است بر بحث ابتکار و نوآوری‌ها در قرآن کریم و روایات خاندان رسالت.

۱. آفرینش بدیع

از منظر اسلام و دیدگاه توحیدی، جهان پدیده‌ها، یکباره و نو ظهور و بدون هیچ مدل پیشین آفریده شده و مفهوم برخی از اسمای حسناى الهی نیز بر آن دلالت دارد. بسان بدیع، مبدع، مبدء، باری، فاطر، مُنشیء.

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (فاطر: ۱)

سپاس خدای را که پدید آورنده آسمان و زمین است. فرشتگان را - که دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند - پیام آورنده قرار داده است. در آفرینش، هرچه بخواهد می‌افزاید. زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مُبْتَدِعُ الْخَلْقِ بَعْلَمِهِ وَ مُنْشِئُهُمْ بِحُكْمِهِ بِلَا اِقْتِدَاءٍ وَ لَا تَعْلِيمٍ وَ لَا اِقْتِدَاءٍ لِشَيْءٍ صَانِعٍ حَكِيمٍ وَ لَا اِصَابَةَ خَطَاٍ وَ لَا حَفْرَةَ مَلَأٍ^۱

با دانش خویش، آفریدگان را نوبه نو می‌آفریند و با فرمانی پدیدشان می‌آورد. بدون پیروی یا آموزش و الگوگیری از حکیمی سازنده بی‌آنکه به خطایی دچار آید یا به دستیارانی نیازش افتد.

شگفتی‌ها و نوآوری‌های جهان آفرینش، افزون بر آنکه قابل شمارش نیست، بی‌وقفه در حال نوزایی، تکامل، افزایش، رویش و پویایی است و هرگز دچار خمود و ایستایی

نمی‌گردد. چنانکه زنده، توانمند و هدفدار است و فلاسفه درباره آن، قایل به «حرکت جوهری»^۲ شدند و عارفان، دمام فریاد و غوغای پدیده‌ها را شنیدند؛

چون عصا از دست موسی گشت مار	جمله عالم را بدین سان می‌شمار
مرده زین سویند و زان سو زنده‌اند	خامش اینجا وان طرف گوینده‌اند
چون از آن سوشان فرستد سوی ما	آن عصا گردد سوی ما اژدها
کوه‌ها هم لحن داودی شود	آهن اندر کف او مومی شود
ماه با احمد اشارت بین شود	نار ابراهیم را نسرین شود
سنگ احمد را سلامی می‌کند	کوه یحیی را پیامی می‌کند
جمله ذرات عالم در نهان	با تو می‌گویند روزان و شبان
ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم	با شما نامحرمان ما خامشیم ^۳

۲. نوآوران آسمانی

در قرآن مجید می‌خوانیم:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفوا فيه. (بقره: ۲۱۳)

مردم، امتی یگانه بودند. پس خداوند، پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان، کتاب را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه باهم اختلاف داشتند داوری کند. «انسان‌های اولی همانند رویش ابتدایی هسته جامد، بدون مشاخره بودند. چون از نظر جهان‌بینی، محیط زیست و روابط اجتماعی در سادگی به سر می‌بردند و در حد حیات حیوانی زندگی می‌کردند، نیازی به وسایل پیچیده کشاورزی، دامداری و صنعتی نداشتند و برای تحصیل مواد غذایی رنجی را تحمل نمی‌کردند. چون نیازی به ذخیره‌سازی و حمل و نقل به مکان‌های دور دست نداشتند، زندگی بسیط و بی‌آلایش آنان همراه با اندیشه ابتدایی، زمینه وحدت و اتحاد آنان را فراهم می‌کرد. ولی به تدریج بر اثر پیشرفت علم و اندیشه و صنعت و گسترش روابط اجتماعی، اختلافات علمی و عملی در آنان راه پیدا کرد و زمینه بعثت پیامبران اولوالعزم و نزول کتاب حاوی حقوق و تدوین قانون فراهم شد.»^۴

بدین ترتیب هر پیامبری با مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و معارف جدید به سوی انسان‌ها مبعوث می‌شد و پا به پای پیشرفت علم و فن‌آوری و تکامل عقلی و روحی بشر،

آنان را به سوی سعادت و خوشبختی دو سرارهنمون می‌گشت و افق‌های جدیدی از عرفان و معنویت و دانش را فرارویشان می‌گشود و استعداد‌های نهفته آنان را شکوفا می‌ساخت. امیر مؤمنان علی علیه‌السلام، زوایای تاریخ انبیا را چنین رازگشایی می‌کند:

هرگاه مردم پیمان الهی را دگرگون می‌کردند و حق‌شناسی نمی‌کردند و به [کار ارتجاعی] بت‌پرستی روی می‌آوردند و شیطان‌ها با فرصت‌طلبی آنان را از معرفت او باز می‌داشتند و رشته بندگیشان را می‌گسستند، پیامبران را در میان آنان مبعوث می‌کرد و انبیا را پی در پی به سویشان گسیل می‌داشت تا پیمان فطری آنان را وا‌کاوند و نعمت‌های از یاد رفته را به یادشان آرند و با تبلیغ حقایق بر آنان احتجاج کنند و گنجینه‌های خردشان را شکوفا سازند و از فراز آسمان تا فرود زمین، نشانه‌های توان‌مندی خویش را به آنان بنمایانند و نیز وسایل معیشتی که آنها را زنده نگه می‌دارد و اجلهایی که آنها را فانی می‌سازد و رنجهایی که پیرشان می‌کند و رخدادهایی که پی در پی برایشان پیش می‌آید همه را به آنان گوشزد کنند.^۵

پیام آوران الهی افزون بر ارائه طریق بندگی، قوانین عادلانه، راه و رسم بندگی خدا و آزادگی از بندهای ستم و مادی‌گری و راهنمایی و ارشاد به سوی تعالی و تکامل، در شکوفایی علمی و نوآوری‌های زندگی نیز پیش‌تاز بودند و در بیشتر رشته‌های علمی بشری سمت معلمی داشتند و تجربه‌های گران‌سنگی را در اختیار آنان نهادند. به طور مثال؛ نخستین کسی که پشم گوسفند را به شکل رشته درآورد حوا بود و حضرت آدم نیز آن را بافت و برای خود و حوالباس تهیه کرد.^۶

نخستین کسی که آب را در نهر جاری ساخت، درخت کاشت و به آبادانی زمین پرداخت «نییط» پیامبر بود.^۷ نخستین کسی که صابون را اختراع کرد حضرت سلیمان بود^۸ و نیز شکر را برای اولین بار ایشان کشف کرد.^۹

پیامبر اکرم (ص) فرمود: ابراهیم نخستین کسی بود که در راه خدا جهاد کرد.^{۱۰} و امام صادق علیه‌السلام فرمود: ابراهیم (ع) نخستین کسی بود که کفش (نعلین) را اختراع کرد.^{۱۱} امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: ابراهیم (ع) اولین کسی بود که میهمان به خانه آورد.^{۱۲} صنعت زره‌سازی نیز اختراع حضرت داود (ع) است.^{۱۳} و حضرت یوسف (ع) نیز کاغذ را اختراع کرد.^{۱۴}



وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ. (مائده: ۴۸)

ما کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم؛ در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و مهیمن (و مراقب) بر آنها است.

واژه «مهیمن» به معنای حافظ، شاهد، امین و مراقب است و نظر به اینکه قرآن مجید اصول اعتقادی و تربیتی کتاب‌های آسمانی پیشین را حفظ کرده و آنان را تصدیق نموده و بر آنان احاطه کامل دارد و نیز مکمل آنهاست؛ برخی از آنها را نسخ کرده، برخی را امضا نموده و خود نیز مطالب فراوانی که در کتابهای پیشین نبوده در برنامه خویش گنجانده است.^{۲۰} و طرحی نو در انداخته و این دین خاتم در واقع آغاز برنامه اصلی خدا برای همگان تا انجام جهان است و به همین دلیل هم درباره قرآن فرمود:

وَتَزَيَّنَّا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيْبَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ. (نحل: ۸۹)

و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم.

همین طور درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ. (بقره: ۱۲۹)

همان طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم که آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را که نمی‌توانستید بفهمید به شما بیاموزد.

«معارف الهی از سنخ علوم بشری نیست. از این رو پیشرفت‌های شگرف علمی و صنعتی نیز انسان‌ها را از وحی و نبوت و ره آورد پیامبران (ع) بی‌نیاز نخواهد کرد. زیرا پیامبران، علوم و اموری را برای جوامع انسانی می‌آورند که تحصیل آن جز از راه وحی مقدور بشر نیست.»^{۲۱}

ترکیب ادبی جمله «علمکم ما لم تکنوا تعلمون» که از فعل مضارع و واژه «کان» منفی درست شده به عجز و ناتوانی بشر در ادراک معارف و مطالبی اشعار دارد که نیل به آنها بدون واسطه وحی میسر آد میان نیست^{۲۲} و با توجه به اینکه نیاز بشر به وحی دائمی است و آخرین فرستاده آسمانی نیز پیامبر اسلام است، طراحی و مهندسی شریعت و افسین به گونه‌ای است که نیازمندی‌های روحی و روانی و اعتقادی و تربیتی آدمیان را به طور نو و پیوسته برآورده می‌سازد و این نوزایی از صدر اسلام شروع و تا آخر دنیا تداوم خواهد داشت.



امام راحل (ره) در تشریح نوزایی اسلام و شکوفایی ژرف توحید و معارف الهی توسط شخصیت بی نظیر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می نویسد:

حقیقت نبوت و ولایت عبارت است از «کشف و بسط حقایق»، هر کس کشف و بسط حقایق نماید و قلب صافی و محکم و قوی داشته باشد نبی است و هر پیامبری که بهره اش از کشف و بسط حقایق بیشتر باشد نبوتش کامل تر است. انبیای سلف هم کشف داشتند و هم بسط اما نه به طور مطلق، بلکه فی الجمله. انبیا در میزان بهره مندی از این معنا مختلف بودند و پیامبران اولوالعزم نسبت به سایر پیامبران کشف و بسط بیشتری داشتند و در بین آنها نیز وجود نازنین احمدی (ص) کشف تام و بسط تام داشت و لذا خاتم پیامبران گردید. یعنی حقایق به آن نحو که ممکن است کشف شود بر حضرت محمد (ص) مکشوف شد و آن قدری که ممکن است حقایق بسط یابد برای حضرت بسط یافت. فلذا دیگر هرگز ممکن نیست کشف و بسطی اتم از این کشف و بسط وجود داشته تا بتواند نبوت دیگری حاصل آید.^{۲۳}

قرآن مجید پیامبر اکرم (ص) را خورشید نامیده و امام صادق علیه السلام در تفسیر «والشمس و ضحیها» (شمس: ۱) فرمود:

خورشید رسول خدا (ص) است، خداوند به وسیله او دین را برای مردم ابراز کرد و منظور از «والقمر و ماتلیها» امیر مؤمنان است که در ردیف پیامبر قرار گرفت و دانش او را آموخت.^{۲۴}

بدین ترتیب حضرت محمد (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت بسان خورشید و ماه، شب و روز سراسر جهان را بی وقفه از نور علم و معرفت لبریز می کنند و جایی برای کهنگی یا ایستایی و پسرفت باقی نمی گذارند و تدین و پابندی به مکتب اسلام یعنی نوآوری و شکوفایی دمام و ترقی و تکامل در همه لحظه های زندگی. در دعای ماه رجب - که از سوی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه صادر شده - درباره اهل بیت پیامبر آمده است:

فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَائِكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.^{۲۵}

[پروردگارا] تو آسمان و زمینت را با آنها (آل محمد) پر کرده ای تا آشکار شود که خدایی جز تو نیست.

جالب اینکه اهل بیت علیهم السلام از قرآن مجید تعبیر به خورشید کرده اند که او نیز همواره در میان مردم نورافشانی می کند و هرگز کهنه نمی شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْقُرْآنَ حَتَّى لَمْ يَمُتْ وَإِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَكَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
وَ يَجْرِي عَلَى آخِرِنَا كَمَا يَجْرِي عَلَى أَوَّلِنَا. ٢٦

همانا قرآن زنده و نامیراست و بسان شب و روز و خورشید و ماه جریان دارد و بر واپسین
ما چون نخستین مان جاری می شود.

شخصی از آن حضرت پرسید: چه رازی در قرآن نهفته است که هر چه بیشتر منتشر و
تدریس می شود بر سرشاری اش افزوده می شود؟ در پاسخ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ رِمَانٍ وَ لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ
جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَظْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. ٢٧

خداوند بزرگ آن را برای زمان محدود یا مردم خاصی قرار نداده است. از این رو در هر
زمانی جدید است و در نظر همگان شکوفاست تا قیامت.
شهید مطهری در این باره می گوید:

یکی از اعجازهای قرآن، نسبتی است که قرآن با تفسیرهای قرآن دارد. قرآن، چهارده قرن
است که نازل شده، از همان قرن اول، مفسرین آن را تفسیر کردند. در هر دوره ای مردم از
قرآن همان را می فهمیدند که تفسیر می کردند. بعد دوره عوض شده، علوم و فهم مردم تغییر
کرده است، تفاسیری آمد تفاسیر قبل را نسخ کرده است. مردم می دیدند که تفاسیر قبل قابل
مطالعه کردن نیست ولی خود قرآن زنده است. می دیدند قرآن با آنچه که امروز تفسیر شده
بهتر تطبیق می کند تا آنچه که در گذشته تفسیر کرده بودند. یعنی قرآن جلو می آید، بشر
عالم تر می شود، تفسیر دیگری می نویسد. مردم این قرن می بینند این تفسیر انطباق
بهتری با خود قرآن دارد و آن تفسیر قبلی منسوخ شده و به هیچ وجه نمی شود آن را
زنده کرد. قرآن قرن به قرن جلو آمده و تفاسیر قرن های پیش را کنار گذاشته است. ٢٨
و قطعاً آیندگان نیز تفسیر بهتری از قرآن به دست خواهند آورد و تفاسیر زمان ما را کنار
خواهند گذاشت و قرآن همواره در حال شکوفایی و نوزایی و تولید علم و ارائه معرفت به
جهان بشری است و به همین دلیل هم جاوید و جهانی است و هرگز جایگزینی نخواهد داشت.
امیر مؤمنان راز جاودانی قرآن را چنین بیان می کند:

إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَنَبِيُّ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تُفْنِي عَجَابُهُ وَ لَا تَنْقُضِي عَزَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ
الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِدِهِ. ٢٩

همانا ظاهر قرآن شگرف و باطنش ژرف است. شگفتی هایش پایان ندارد و اسرارش
کهنه نمی شود و تاریکی ها جز به سبب آن زدوده نگردد.

«آیات قرآن پیوسته فرود می آمد و هر کدام مسئله ای تازه مطرح می کرد. و هر مسئله تازه ای اندیشه هایی تازه در میان می نهاد و این همه، اذهان جامعه در حال تحول را نیز به تحول می کشانید. حرکت ذهنی که قرآن به جامعه خویش - و سپس دیگر جوامع - داد، هنوز چنانکه باید ارزیابی و تحلیل نشده است.

قرآن به صورتی شگفت به تجربه و حس نیز دعوت کرد حتی سوگندهای خویش را با نام اشیای محسوس و طبیعی یاد می کرد... چرا؟ برای اینکه مردمان در چیزها بیندیشند و در چگونگی آفرینش آنها ژرف شوند و از کنار هیچ پدیده ای به سادگی نگذرند. و این موضوعها که یاد شد تخمه اصلی بسیاری از دانش ها بود که در روزگار بعدی در فرهنگ اسلام پیدا شد و رواج گرفت و با دید علمی اسلامی بررسی شد و این دانش ها بجز علوم فقهی و شرعی و اخلاقی و تفسیری و قرآنی و حدیثی و ادبی بود که پایه گذار اصلی آنها نیز کتاب خدا بود.»^{۳۰}

نکته اساسی تری که لازمه خاتمیت دین اسلام بود، دعوت جهانی آن بود که بسیار بدیع و برای نامسلمانان ای بسا شگفت آور و باور نکردنی می نمود. ولی خداوند به صراحت، حضرت محمد(ص) را پیامبر همه بشر و برای همیشه مبعوث کرد و فرمود:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ. (انبیاء: ۱۰۷)

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

این در حالی بود که هیچ پیامبری با چنین ظرفیت و دعوتی مبعوث نشده بود. این نکته نشان دهنده آن است که «اسلام» از جامعیت و استعداد بی نظیری برخوردار است که می تواند جامعه بشری - اعم از مرد و زن، سیاه و سفید، زرد و سرخ، عالم و جاهل - را در همه زمان ها راهنمایی کند و به سر منزل مقصود برساند. امام خمینی(ره) با قلم شیوای عرفانی خویش در این باره چنین نوشته است:

چون ذات مقدس حق - جل و علا - «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^{۳۱} در کسوة اسما و صفات تجلی به قلوب انبیا و اولیا کند و به حسب اختلاف قلوب آنها تجلیات مختلف شده و کتب سماوی که به نعت ایحاء به توسط ملک وحی، جناب جبرئیل بر قلوب آنها نازل شده به حسب اختلاف این تجلیات و اختلاف اسمایی که مبدئیت برای آن دارد مختلف شود - چنانچه اختلاف انبیا و شرایع آنها نیز به اختلاف دول اسمائیه است - پس هر اسمی که محیط تر و جامع تر است، دولت او محیط تر و نبوت تابعه او محیط تر و کتاب نازل از او محیط تر و جامع تر است و شریعت تابعه او محیط تر و با دوام تر است و چون نبوت ختمیه و قرآن شریف و شریعت آن سرور از مظاهر و مجالی یا از تجلیات و ظهورات مقام

جامع احدی و حضرت اسم الله الاعظم است از این جهت محیط‌ترین نبوت و کتب و شرایع و جامع‌ترین آنهاست و اکمل و اشرف از آنها تصور نشود و دیگر از عالم غیب به بسیط طبیعت، علمی بالاتر یا شبیه به آن تنزل نخواهد نمود؛ یعنی آخرین ظهور کمال علمی که مربوط به شرایع است همین [است] و بالاتر از این امکان نزول در عالم ملک ندارد. پس خود رسول ختمی صلی الله علیه و آله اشرف موجودات و مظهر تام اسم اعظم است و نبوت او نیز اتم نبوت ممکنه و صورت دولت اسم اعظم است که ازلی و ابدی است.^{۳۲}

از این رو پیامبر اکرم (ص) فرمود:

الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ.^{۳۳}

اسلام برتر است و هرگز پایین دست قرار نمی‌گیرد.

مفهوم سخن رهبر بزرگ اسلام این است که اسلام در همه ابعاد فکری، اخلاقی، رفتاری و عملی بهترین نظام را طراحی کرده که در صورت پیاده شدن، جامعه بشری را به سعادت واقعی در دنیا و آخرت خواهد رساند و هرگز مکتب دیگری توان طراحی چنین نظامی را نخواهد داشت و لازمه سخن پیامبر این است که اسلام دین نوین بشری است. هرگز از درون کهنه و پوسیده و منقرض نخواهد شد و هیچ عامل برونی نیز توان مندرس کردن آن را ندارد. شریعتی آسمانی فرود نمی‌آید و مکتب‌های زمینی نیز هرگز به پای اسلام نمی‌رسند تا چه رسد به توان مقابله با آن.

۴. دعوت به نوآوری

چنان‌که یاد شد نوآوری، پویایی و شکوفایی در ذات اسلام نهفته است و مسلمان واقعی، نمی‌تواند ایستا، کهنه پرست، بی‌تحرک، منزوی یا مرتجع باشد و به روزمرگی و عمل‌زدگی خو کند. چرا که مجموعه اسلام یعنی قرآن و عترت و سنت به‌طور پیوسته او را به ترقی و تکامل و شکفتی و بالا رفتن فرامی‌خوانند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ هَلْ مِنْ مَبَشِّرَاتٍ يَعْني بِه الرُّؤْيَا.^{۳۴}

رسول خدا (ص) هر بامداد از یارانش می‌پرسید: آیا خواب‌های خوش دیده‌اید؟

قابل دقت است که پیامبر اولاً به‌طور مرتب و هر روز چنین پرسشی را با اصحابش در میان می‌نهاد و توقع داشت که آنان در شبانه‌روز یک گام به سوی کمال و معنویت - که به

صورت رؤیاهای صادق نمودار می‌شد - بردارند. ثانیاً همچون مرشد و راهنما و مربی خصوصی از آنان مراقبت می‌کرد که راه تعالی و رشد معنوی را زیر نظر آن استاد کل طی کنند و گرفتار لغزش و انحراف نشوند.

پیامبر زنجیرهای گران جهل و خمودی و بی‌مسئولیتی را از گردنهای آنان برداشت و در واقع آنان را برای پیمودن راه انسانیت و تکامل آزاد ساخت و جامعهٔ مردهٔ جاهلی به موجودی زنده و الهی تبدیل گشت و فلاح و رستگاری را به دست آورد؛

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (اعراف: ۱۵۷)

همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که نام او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته یابند - پیروی می‌کنند، او آنان را به کار پسنديده فرمان دهد و از کار ناپسند بازدارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.

«مفلحون» از ریشهٔ «فلح» به معنای شکافتن و «فلاح» به معنای پیروزی و دستیابی به آرمان و آرزوهای دنیوی و اخروی است.^{۲۵} پیروان واقعی حضرت محمد (ص) با ایمان و عمل صالح همواره در حال شکافتن پرده‌های جهل غفلت و خرافه و رهپویی به سوی مقصد اعلا - که ذات مقدس الهی است - می‌باشند و تا رسیدن به سر منزل مقصود هرگز درجا نخواهند زد؛

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ. (حجر: ۹۹)

و پروردگارت را پرستش کن تا به یقین برسی.

رسیدن به دروازهٔ یقین، بالاترین درجهٔ ایمان و میوهٔ شیرین فلاح و رستگاری است. از آن پس رهرو راه خدا پوستهٔ عالم مادی را می‌شکند و در عالم جبروت و ملکوت الهی به پرواز درمی‌آید. آیات خدا را می‌بیند. حقایق عالم را درک می‌کند. به جای چشم سر با چشم دل می‌بیند؛

آنچه نادیدنی است آن بینی	چشم دل باز کن که جان بینی
همه آفاق گلستان بینی	گر به اقلیم عشق روی آری
گردش دور آسمان بینی	بر همه اهل آن زمین به مراد
پای بنر فرق فرقدان بینی	هم در آن پابرهنه قومی را
بر سر از عرش سایبان بینی	هم در آن سر برهنه جمعی را
آفتابیش در میان بینی	دل هر ذره را که بشکافی
عشق را کیمیای جان بینی	جان‌گذاری اگر به آتش عشق
وانچه نادیده چشم آن بینی	آنچه نشنیده گوش آن شنوی
از جهان و جهانیان بینی	تا به جایی رساندت که یکی
تا به عین الیقین عیان بینی ^{۳۶}	با یکی عشق ورز از دل و جان

حد اعلای این شکوفایی و نویینی برای عالی‌ترین انسان‌ها - یعنی اولیای الهی و معصومین علیهم‌السلام - پدید می‌آید چنان‌که خداوند درباره حضرت ابراهیم (ع) فرمود:

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ. (انعام: ۷۵)

و اینچنین، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد. رسیدن به این منزلت والا یکی از اهداف عالی اسلام است چنان‌که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله به اصحاب خویش چنین سفارش می‌کرد:

يَا أَبَا ذَرٍّ اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. ۳۷

ای ابوذر خدا را چنان پرستش کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.

امام خمینی (ره) می‌نویسد:

تمام دعوت‌های حقّ الهیه و شرایع کامله ربّانیه - چه در کشف حقایق توحید و سرایر تفرید و تجرید و چه در بسط فضایل و محاسن اخلاقیه و چه در شرایع احکام الهیه - بیرون از دو مقصد - که یکی مقصود بالذات و بالاستقلال است و دیگری مقصود بالعرض و بالتبعیه است - نیست. آنچه مقصد ذاتی و غایت بعثت و دعوت انبیا علیهم‌السلام و مجاهدت و مکاشفت کَمَل و اولیا علیهم‌السلام آن است که انسان طبیعی لحمی حیوانی بشری، انسان لاهوتی الهی ربّانی روحانی شود و افق کثرت به افق وحدت متصل شود. ۳۸

چنین انسانی گام بر بام دنیا می‌نهد و همه مراحل کمال را می‌پیماید و هر روزش بهتر از دیروز می‌شود و نه تنها گرفتار ارتجاع و ایستایی نمی‌شود بلکه پی در پی در حال شکوفایی

و ترقی و تعالی است و جالب تر اینکه این شکوفایی و نوآوری باید به روز باشد نه سالانه یا ماهانه و هفتگی. حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِهِ شَرُّهَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ مَنْ لَمْ يَسْغِرِ
الزِّيَادَةَ مِنْ نَفْسِهِ كَانَ إِلَى التُّقْضَانِ أَقْرَبُ وَ مَنْ كَانَ إِلَى التُّقْضَانِ أَقْرَبُ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ
مِنَ الْحَيَاةِ.^{۳۹}

هر کس دو روزش مساوی باشد خسران زده است و هر کس روز دومش بدتر از روز اول باشد از رحمت خدا دور (ملعون) است و هر کس فزونی و ترقی را در خویش نیابد به کاستی نزدیک شده و آن که رو به کاستی نهاده مرگ برایش بهتر از زندگی است.

۵. عوامل شکوفایی اسلام

چنانکه اشاره شد دین اسلام از ظرفیت جاوید و جهانی برخوردار است و توان اداره همه دنیا را در همیشه تاریخ دارد. در قرآن مجید نیز آمده است:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ. (حجر: ۹)

بی تردید ما این قرآن را نازل کردیم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.

مصطفی را وعده کرد الطاف حق	گر بمیری تو نمیرد این سبق
من کتاب و معجزت را حافظم	بیش و کم کن را ز قرآن رافضم
من تو را اندر دو عالم رافعم	طاعتان را از حدیثت دافعم
کس نتاند بیش و کم کردن در او	توبه از من حافظی دیگر مجو
رونقت را روز افزون کنم	نسام تو بر زرّ و بر نقره زنم
منبر و محراب سازم بهر تو	در محبت قهر من شد قهر تو
چاکرانت شهرها گیرند و جاه	دین تو گیرد ز ماهی تا به ماه
تا قیامت باقی اش داریم ما	تو مترس از نسخ دین ای مصطفی ^{۴۰}

صرف نظر از لطف و عنایت الهی نسبت به دین خاتم و قرآن، که بسیار مهم و قطعی است، باید گفت بسیاری از راهکارهای پویایی و شکوفایی و جاودانگی اسلام و قرآن در ذات آنها نهفته است. به عبارتی مراقبت و حفاظت الهی از آیین مقدس اسلام به شکلی کاربردی و محتوایی اندرون قرآن و سنت و معارف دینی نهادینه شده و حفاظت الهی همراه ذکر فرود آمده و هیچگاه از آن جدا نخواهد شد. و اما عوامل بدیعی که دمامد بر شکوفایی و طراوت و تازگی اسلام می افزاید:

یک. معجزات و بیّنات

اسلام برای اثبات خاتمیت خود، دلیل و برهان عقلی و معجزه و بیّنه ارائه کرده و همه خردمندان عالم را بدان دعوت نموده و در طول قرن‌ها به همه ثابت نموده که دین نهایی و سرشار از قوانین زنده و پویاست و هرگز کهنه و فرسوده نمی‌شود.

۱/۱. ظاهر و باطن قرآن معجزه و بی‌بدیل است و دشمنان پیدا و پنهان اسلام تا کنون نتوانسته‌اند موضوعی به درستی و شگرفی قرآن ارائه کنند و این کتاب آسمانی از هنگام تولد تا کنون برای همه نسل‌ها در طول سده‌های متمادی، جذاب، خواندنی، راهنما، راهگشا و هادی و سعادت‌آفرین بوده و منبع نوآوری و شکوفایی برای پیروان خویش است و با اینکه هزاران نفر با دانش و سلیقه مختلف همواره به تفسیر قرآن پرداخته‌اند هنوز کسی ادعا نکرده که همه مقاصد قرآن را دریافته و نیازی به تفسیر جدید نیست و هیچ کتابی در طول تاریخ زندگی بشر به چنین منزلتی نرسیده و نخواهد رسید.

۱/۲. کعبه و حج؛ در قرآن مجید آمده است:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا وُضِعَ لِّلنَّاسِ وَمِنْ دَخَلُهُ كَانَ آمِنًا. (آل عمران: ۹۶-۹۷)

در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان هدایت است. در آن، نشانه‌هایی روشن است از جمله مقام ابراهیم.

گرچه خانه کعبه و مراسم حج سالها پیش از اسلام برقرار بوده و پیامبران و مؤمنان به کعبه احترام می‌گذاشتند و مراسم حج را به جای می‌آوردند، ولی پیش از ظهور اسلام، کعبه محل نگهداری بت‌ها و مراسم حج، تحریف و بی‌معنا شده بود و اسلام با پاکسازی کعبه از لوث بت‌ها و بازسازی مراسم حج ابراهیمی و نوآوری‌هایی چون اقامه نماز در پشت مقام ابراهیم، اعلان برائت از مشرکان در مراسم حج و نهادینه کردن آن در میان مسلمانان برای همیشه، کعبه و حج را پشتوانه محکمی برای بقای توحید و پرستش خدای یگانه قرار داد و تا کنون هیچ مکتبی چون اسلام چنین ابتکاری نداشته و هیچ ملتی جز مسلمانان از چنین پایگاهی بهره‌مند نیستند. امام صادق علیه السلام در مورد نقش کلیدی کعبه در پشتیبانی از اسلام و حقانیت آن فرموده است:

لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ. ۴۱

مادامی که کعبه استوار است، دین [اسلام] نیز پایدار است.

دو. دعوت به تفقه و نواندیشی

این موضوع نیز در دو حیطهٔ برون‌مرزی و درون‌مرزی صورت پذیرفت:

الف. در حوزهٔ برون‌مرزی، قرآن مجید همهٔ کسانی را که در حقانیت و آسمانی بودن اسلام و قرآن تردید داشتند به هماوردی فراخواند و از آنان چنین خواست:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ. (بقره: ۲۳)

و اگر در آنچه بر بندهٔ خود نازل کرده‌ایم شک دارید، سوره‌ای مانند آن بیاورید.

پیام این هماوردی از یک سوی، اثبات خاتمیت و نوزایی اسلامی است که خداوند
نوترین معارف آسمانی را برای تکامل روحی و معنوی بشر نازل فرموده و از سویی دیگر
همهٔ نوایغ و نخبگان ملت‌ها را به اندیشه پیرامون قرآن فراخوانده تا اگر می‌توانند - که
نمی‌توانند - مانند آن را بیافرینند و اگر از آفرینش چنین اثر فرهنگی بی‌نظیر ناتوانند - که
ناتوانند - به حقانیت آن ایمان آورند و در گفته‌های عمیق و پرمحتوای آن بررسی و
تحقیق کنند و از معنویت و هدایت آن بهره‌مند شوند.

ب. در حوزهٔ درون‌مرزی از پیروان قرآن دعوت شده که؛ اولاً اندام و اندیشه و عمل و
اخلاق خویش را از هرگونه آلودگی تطهیر کنند و لباس تقوا بپوشند تا صلاحیت هدایت
قرآنی بیابند.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. (بقره: ۲)

این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست و مایهٔ هدایت تقوایبندگان است.

سپس با دانش و خرد به تفقه و کنکاش در متن و بطن قرآن پردازند؛

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. (یوسف: ۲)

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید.

كِتَابٌ فَصَّلْتُ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. (فصلت: ۳)

کتابی است که آیات آن به روشنی بیان شده، قرآنی است عربی برای مردمی که می‌دانند.

همین‌طور در یک دستور همگانی و جاودانی، پیروان خویش را برای یک نهضت

علمی، بسیج نموده و فرموده است:

فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ

لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ. (توبه: ۱۲۲)

چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را

وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کارهای بد] حذر کنند.

با توجه به اینکه اسلام، دین نهایی و حضرت محمد(ص) خاتم الانبیاست و قرآن باید تا انتهای دنیا همگان را به سوی حق و سعادت راهنمایی کند، نهضت علمی پیروان قرآن نیز استمرار خواهد داشت چنان که از صدر اسلام تا کنون نیز چنین بوده است.

سه. امر به معروف و نهی از منکر

این اصل با اهمیت، یکی از نوآوری‌های شگفت اسلام است که به عنوان اصل ناظر و ضامن اجرای محتوای اسلام تلقی می‌شود و از ویژگی‌های امت اسلامی است؛

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ.

(آل عمران: ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید. به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید.

پیامبر اعظم از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصل پویایی و دوام بهروزی و نیکویی امت اسلامی یاد کرده، می‌فرماید:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى. ۴۲

امت من مادامی که امر به نیکی و نهی از زشتی کنند و همدیگر را در نیکی و تقوا یاری رسانند در راه خیر و سعادتند.

امیر مؤمنان علیه السلام نیز امر به معروف و نهی از منکر را یک اصل راهبردی در دوام دین و شریعت معرفی کرده، می‌فرماید:

قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ. ۴۳

امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود، بر پای دارنده شریعت است.

اجرای صحیح این اصل مهم اسلام، به شکلی بدیع و شگفت‌انگیز همواره درخت اسلام را تنومند، شاداب، با طراوت و پرثمر نگه می‌دارد و هرگونه آسیب و آفت را نیز از آن می‌زداید.

فراگیری و جامعیت آن نیز هیچ خط قرمزی را به رسمیت نمی‌شناسد و همگان را موظف می‌کند که همیشه و همه جا و هر فرد و گروه و دولت و ملت را - با شرایط و احکامی که در فقه برای آن بیان شده - امر به معروف و نهی از منکر نمایند تا همه خوبی‌ها در میان آدمیان رواج یابد و هیچ امر ناپسندی مجال بروز و ظهور نیابد.

چهار. تعاون بر بز و تقوا

این اصل نیز به عنوان مکمل اصلی پیشین از توصیه‌های قرآن به مسلمانان است؛

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
الْعِقَابِ. (مائده: ۲)

در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید ولی در گناه و تجاوز دستیار هم شوید.
«بز و تقوا» شامل همه خوبی‌ها و کارهای خیر و سودمند می‌شود. همانطور که «اثم و
عدوان» به معنای هر نوع زشتی و تجاوز است.

اگر این اصل قرآنی در جامعه بشری کاربردی و اجرا شود؛

الف. از یک سوی، شکوفایی و خیرخواهی و انسانیت و اخلاق و تمدن و صلح و صفا و
صمیمیت و... به اوج می‌رسد. انسان‌ها به تکامل مادی و معنوی نایل می‌شوند. سرمایه‌ها
در راه بهبود زندگی به کار می‌افتد. ثروت‌های عمومی در اختیار همگان قرار می‌گیرد.
منابع طبیعی و انسانی عام المنفعه می‌شود. بینوایان و ضعیفان در برابر ستمگران تقویت
می‌شوند. دانش و بهداشت و امکانات از انحصار زرمداران و زورگویان خارج می‌شود.
ملت‌های تحت ستم آزاد می‌شوند. محرومان کامیاب می‌گردند و تمدن و دانش بشری و
فضایل و نیکی و احسان و نوع دوستی شتاب می‌گیرد و... .

ب. فساد و فحشا و ستم و تجاوز به پایین‌ترین حد می‌رسد. طبقات زر و زور و تزویر
کمرنگ می‌شوند. ثروت‌های نجومی تسلیحاتی در راه زندگی انسانها هزینه می‌شود. صلح
و امنیت بر سراسر جهان حاکم می‌گردد و... .

چراکه هم تمدن و پیشرفت و شکوفایی و فن آوری و همه دستامدهای بشری در پرتو
همکاری و همفکری انسانها امکان پذیر است و هم تجاوز و ظلم و ویرانگری و کشتار و
فسادهای بزرگ همگی در سایه همکاری آدم‌های پلید و بزهکار به وجود می‌آید و جنبه
اثباتی اصل تعاون، پیشرفت و شکوفایی را صدچندان بنکه به طور مستمر و پویا تقویت و
تحرك می‌بخشد و جنبه منفی آن، از هرگونه رکود و رخوت، پسرفت و ویرانی و ستم و
تجاوز و حق‌کشی و ناامیدی و اخلال در زندگی باز می‌دارد.

پنج. هماهنگی با دانش و خرد

اسلام، دین عقل و علم است و نخستین آیه قرآن که بر پیامبر فرود آمد به او دستور خواندن
داد و نیز خداوند فرمود:

الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ. (الرحمن: ۱-۴)

خدای رحمان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید، یه او بیان آموخت.

و در بسیاری از آیات، خردمندان، فرهیختگان و دانشمندان را مخاطب قرار داده و از آنان خواسته در آیات کتاب خدا و نشانه‌های انفسی و آفاقی، نیک بیندیشند و به داوری عقل سلیم تن دهند که قطعاً با شرع هماهنگ و همراه است و امام علی (ع) فرمود:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. ۴۴

خدا با چیزی بهتر از خرد پرستیده نشده است.

و امام کاظم (ع) فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْإِيمَةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ. ۴۵

خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت نهانی. حجت آشکار، رسولان، پیامبران و امامان هستند و حجت نهانی خردها.

این هماهنگی میان دین و دانش از یک سوی و همکاری دین و خرد از سوی دیگر از آغاز تولد اسلام تا کنون همواره سبب شکفتن استعدادهای بشری، تولید علم و فناوری، بالا رفتن سطح اندیشه بشری و تکامل جامعه‌ها بوده و خواهد بود و دینی که از چنین ویژگی برخوردار باشد هرگز کهنه و فرسوده نمی‌شود و خردی که از پشتوانه چنین دینی بهره‌مند باشد هیچ‌گاه در جانمی‌زند، منحرف نمی‌شود و راه سداد و صواب را از دست نمی‌دهد.

شش. ساختار جامعه توحیدی

زیر ساخت جامعه اسلامی، توحید و یکتاپرستی است که مالک، فرمان‌روا، حاکم و اختیار دار آن، خداوند عادل، قادر، توانا، مهربان و حکیم است. او اصل همه خوبی‌ها و منبع همه کمالات و بخشنده همه نعمت‌ها و نیکی‌هاست. هدف غایی و نهایی جامعه توحیدی رسیدن به خدا از مسیر عبودیت و پرستش و در بستر تقوا و پاکدامنی است و هر کس از تقوای بیشتری برخوردار باشد، ارزش افزوده‌ای دارد؛

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. (حجرات: ۱۳)

همانا ارجمندترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

اعضای جامعه توحیدی فرمان یافته‌اند که؛

أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ. (نوح: ۳)

خدا را بپرستید و تقوای او را پیشه کنید.

و این فعالیت نیز مناسب توان هر کس باید انجام گیرد؛

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا. (تغابن: ۱۶)

پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و بشنوید و فرمان برید.

نتیجه فرآیند بی‌وقفه و پویای پرستش و تقوا و نظام عدالت‌محور اسلامی و رهبری معصوم و بدون اشتباه و کاستی پیامبر، شکل‌گیری جامعه با اوصاف زیر است؛

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لَيَغِيثُ بِهِمُ الْكُفَّارَ... (فتح: ۲۹)

محمد(ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر و با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان در تورات است و مثل آنان در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از انبوهی آنان، کافران را به خشم دراندازد.

«آری آنها انسان‌هایی هستند با صفات و الا که آنی از حرکت بازنمی‌ایستند همواره جوانه می‌زنند و جوانه‌ها پرورش می‌یابد و بارور می‌شود. همواره اسلام را با گفتار و اعمال خود در جهان نشر می‌دهند و روز به روز خیل تازه‌ای بر جامعه اسلامی می‌افزایند.

آری آنها هرگز از پای نمی‌نشینند و دائماً رو به جلو حرکت می‌کنند. در عین عابد بودن مجاهدند و در عین جهاد عابدند. ظاهری آراسته، باطنی پیراسته، عواطفی نیر و مند و نیاتی پاک دارند. در برابر دشمنان حق، مظهر خشم خدایند و در برابر دوستان حق، نمایانگر لطف و رحمت او.»^{۴۶}

پی‌نوشتها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱.
۲. رساله حدود العالم، ملاصدرا، ص ۴۸.
۳. مثنوی معنوی، مولوی، دفتر سوم، ص ۱۵۳، رضانی.
۴. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۸۹.
۵. نهج البلاغه، خطبه ۱.
۶. الاوائل، تستری، ص ۴۳۶.
۷. همان، ص ۲۳۴.

۸. همان، ص ۴۳۳.
۹. بحارالانوار، مجلسی، ج ۱۴، ص ۷۰.
۱۰. همان، ج ۱۲، ص ۱۰.
۱۱. همان، ص ۱۲.
۱۲. همان، ص ۴.
۱۳. همان، ج ۱۴، ص ۴.
۱۴. الأوائل، ص ۴۳۳.
۱۵. بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۲.
۱۶. همان، ص ۸۷.
۱۷. همان، ص ۱۰۷.
۱۸. همان، ص ۱۹۹.
۱۹. نهج البلاغه، خطبة ۱.
۲۰. ر.ک. ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۵۷۱ و تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۰۰.
۲۱. نسیم، آية الله جوادی آملی، ج ۷، ص ۵۰۵.
۲۲. ر.ک. همان، ص ۶-۵۰۵.
۲۳. تبیان، دفتر ۴۱، ص ۷۷، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۴. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۴، ص ۴۶۶.
۲۵. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای هر روز ماه رجب.
۲۶. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۴۰۴.
۲۷. همان، ج ۲، ص ۲۸۰.
۲۸. مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۱۷۸، با کمی تغییر.
۲۹. نهج البلاغه، خطبة ۵.
۳۰. دانش مسلمین، حکیمی، ص ۵.
۳۱. سورة الرحمن، آية ۲۹.
۳۲. آداب الصلوة، امام خمینی، ص ۳۰۹.
۳۳. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۴۷.
۳۴. همان، ج ۵۸، ص ۱۷۷.
۳۵. المفردات، راغب اصفهانی، واژه فلاح.
۳۶. دیوان هاتف اصفهانی.
۳۷. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۶.
۳۸. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، ص ۲۹۷.
۳۹. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۳.
۴۰. مثنوی معنوی، مولوی، دفتر سوم، ص ۱۵۶.
۴۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۱، آل البيت.
۴۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۲۳.
۴۳. شرح غررالحکم و دررالکلم، آمدی، ج ۴، ص ۵۱۸، دانشگاه تهران.
۴۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸.
۴۵. همان، ص ۱۶.
۴۶. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، ج ۲۲، ص ۱۱۷.

